

## تظاهرات عظیم کارگران صنعت برق مکزیک علیه فرمان رئیس جمهور

گزارش و بررسی يك تظاهرات  
بهرام قدیمی

روز ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹ است. پنج روز پیش به فرمان رئیس جمهور مکزیک هزاران پلیس تأسیسات «برق و انرژی مرکز» این کشور را به اشغال خود در آوردند. تمام شرکت های بزرگ «خبری» حمایت مطلق خود را از این فرمان نشان دادند. سه حزب مهم این کشور: حزب اقدام ملی PAN (که رئیس جمهور این کشور عضو آن است)، حزب انقلاب اداری شده PRI، و حزب انقلاب دموکراتیک PRD تا به حال در عمل یا کاملاً از انحلال شرکت برق مرکز مکزیک دفاع کرده اند، و یا با برخورد پاسیو بدون آن که بروی خود بیاورند در کنار دولت مانده اند. تنها حزب کار مکزیک رسماً علیه این اقدام موضع گیری نموده است. اما مردم مکزیک با ناباوری و تعجب، با خشم و نفرت این حمله ضد انقلاب علیه دستاوردهای کارگران را محکوم می کند.

دولت برای از میان برداشتن «سندیکای مکزیکای برقکاران» و خصوصی کردن تأسیسات و خدمات آن، این شرکت را تعطیل کرد تا سرفرصت به آن چوب حراج بزند. این سندیکا که هنوز جزو سندیکاهای چپ مکزیک به شمار می رود، در سال ۱۹۱۴ تأسیس شده است. در سال ۱۹۱۶ در پی يك اعتصاب، دبیر اولش به اعدام محکوم می شود و تنها پس از ۱۸ ماه مبارزه کارگران وی را آزاد می کنند. «در سال ۱۹۳۶، اعتصاب در شرکت برق به منظور تأمین حق قرارداد دسته جمعی برای کارگران آغاز می شود. این عملی بسیار مهم در کشور بود، زیرا سندیکاهای دیگر نیز به تبع آن شروع به مبارزه برای بدست آوردن راه هائی می کنند تا دستاوردها و حقوق خود را تثبیت کنند.» تا قبل از تعطیلی شرکت، کارگران آن، در کنار برخی بخش های صنعتی دیگر، از جمله صنعت نفت، به برکت مبارزات پیشین به طور نسبی، از شایان ترین حقوق و مزایا برخوردار بودند.

عصر روز پنج شنبه، با فراخوان «سندیکای مکزیکای برقکاران» و حمایت ده ها سندیکا و سازمان های اجتماعی و سیاسی، مرکز شهر مکزیک را در همبستگی با ۶۶ هزار کارگر شرکت برق مرکز مکزیک به اشغال خود در آوردند.

قرار بود تظاهرات ساعت چهار بعد از ظهر آغاز شود. ما ساعت ۳ و نیم به نزدیکترین ایستگاه مترو، ایستگاه ایدالگو رسیدیم. می خواستیم از این جا با يك وسیله نقلیه دیگر به محل آغاز تظاهرات، میدان «فرشته استقلال» برویم. اما سیل جمعیت از همین فاصله، خیابان را بند آورده بود. ساعت چهار به نزدیکی های میدان رسیدیم، سر و صدای جمعیت و خبرنگارانی که گرد رهبران سندیکایی جمع شده بودند نظرها را به خود جلب می کرد.

ساعت چهار و ربع تظاهرات راه می افتد. ما دو خیابان قبل از میدان «فرشته استقلال» می ایستیم تا منتظر دوستان مان در شورای محلات باشیم. از قبل ترتیب حرکت گروه ها در جلسه نمایندگان مقرر شده است (یعنی چه گروهی پشت سر چه گروه دیگر باشد). ما نمی دانیم شورای محلات چندمین گروه است. بنا بر این تصمیم می گیریم تا آمدن آن ها در کنار خیابان بایستیم و تظاهرات را نظاره کنیم. خیابان پهن است. بولواری است که هر طرف آن در قسمت وسط چهار خط اتومبیل دارد، بعد يك پیاده روی شش هفت متری، و بعد يك خط اتومبیل دیگر و دست آخر يك پیاده روی دیگر. همه جا پر است. این سیل جمعیت نیست که به راه افتاده. تسونامی ست. موج عظیم مردم معترض. فریاد خشم شرافتمندانه

چهل و چهار هزار کارگری که در عرض يك روز خانه خراب می شوند. آتش پاک کننده ای ست که ویروس ارتجاع را بسوزاند.

ما يك ساعت و نیم در همان جا که بودیم، ایستادیم تا رفقایمان را پیدا کنیم. اما بین این همه رفیق مگر فرقی دارد که با کدام همدوش باشی؟ به علاوه می خواهیم جمع شدن این کارگران در میدان مرکزی شهر [زوکلو] را هم دیده باشیم. پس تصمیم می گیریم راهی شویم. با سرعتی بیشتر



از صفوف تظاهرات به سوی زوکلو می رویم. در راه آشنایان بسیاری را از گروه های مختلف می بینیم. از فعالین زاپاتیست تا انجمن های محلی، از سندیکالیست ها، تا طرفداران مشی چریکی، از مبارزین جنبش های بومی، رهبران «شورای مردمی خلق های اوآخاکا» تا میلیتانت های جنبش همبستگی با خلق فلسطین و کوبا. همه حضور دارند. گوئی همه می دانند که اگر امروز هدف سندیکای برقکاران است، فردا نوبت سندیکای «دانشگاه ملی خودمختار مکزیک» است و پس فردا نوبت هر کس دیگری ست.

ساعت هفت به زوکلو می رسیم. در تمام مسیر چند شعار محوری به گوش می خورد:  
این جا قدرت سندیکای مکزیکی برقکاران معلوم می شود!  
تنها نیستید!

خلق متحد هرگز شکست نمی خورد!  
اگر راه حلی نباشد، انقلاب خواهد شد!

تا ساعت هشت و نیم سخنرانی نمایندگان سندیکاها و گروه های مختلف ادامه داشت. وقتی برای ختم راه پیمائی سرود ملی مکزیک خوانده می شد، آخرین گروه تظاهرات تازه به میدان مقابل بورس (حدود ۲ کیلومتر مانده به زوکلو) رسیده بود. ازدحام جمعیت در خیابان های دیگر اجازه پیشروی نمی داد.

شب در برنامه های مختلف خبری، کوشیدند به شنوندگانشان حقه کنند که تظاهرات آن قدر هم که انتظار می رفت بزرگ نبود!! رئیس پلیس تعداد تظاهرکنندگان را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرد. برگزار کنندگان و برخی رسانه های بدیل آن را تا ۳۰۰ هزار نفر برآورد کردند. اما خبرنگاران «تلویزا» (یکی از بزرگترین شرکت های تلویزیونی قاره آمریکا و صاحب «کابل ویزیون») ادعا کردند که تظاهرات تنگ بوده و به این دلیل طولانی. ولی چند دقیقه بعد در پاسخ به این سؤال که چرا لویز اوبرادر (کاندیدای سابق ریاست جمهوری) که بین آخرین دسته راه پیمایان بوده، در میدان بورس سرود ملی را خوانده است، همان خبرنگاران گفتند: «آنقدر خیابان پر بود که وی نمی توانست تا زوکلو برسد و خودش را نشان دهد». درست گفته اند که دروغگو کم حافظه است! اما آنان سخت پای فشردند که شرکت کنندگان در این تظاهرات، «همان ناراضیان همیشگی هستند، که هر چه باشد، باز آنان ناراضی اند».

## راستی چه اتفاقی افتاده است؟

نشریه «پروسه سو» در روز ۱۳ اکتبر می نویسد: «اتفاقات صبح ده اکتبر نشان می دهد که مشکل واقعی رئیس جمهور مکزیک، فلیپه کلدرون با سندیکای مکزیک برقراران، موضوع دمکراسی سندیکائی نبود که طی يك هفته وزیر کار، چنین ادعا می کرد و به بهانه آن رهبری سندیکا را به رسمیت نمی شناخت...»

هر روز بیش از پیش هدف واقعی این کودتای سیاسی - نظامی روشن می شود: بدست گرفتن کنترل يك کمپانی که می تواند تجارت سودآوری باشد برای کسی که امتیاز استقرار خطوط «فیبر نوری» [یا فیبر نوری شیشه] را در منطقه فلات مکزیک در اختیار داشته باشد. این مهمترین بازار در مقیاس حجم و میزان دستیابی به يك رشته از معاملات «سه گانه» است، یعنی انتقال اطلاعات [انترنت]، صدا و ویدئو توسط يك شبکه آلترناتیو...

مارتین اسپرزا [رهبر سندیکای مکزیک برقراران] در مصاحبه با شماره گذشته پروسه سو گفت: «يك معامله است، فرصتی ست برای شرکت های الکتریکی، چراکه به علاوه شبکه يك صد کیلومتری فیبر شیشه، شرکت برق مرکزی يك درصد خاک کشور را تحت پوشش دارد. ما فیبر نوری شیشه ای داریم برای مصرف خودی و توان گسترش آن. می توانیم سرویس صدا [تلفن]، تصویر و اینترنت (سه گانه) را با سرعت بالا در اختیار جامعه قرار دهیم...»

سندیکای مکزیک برقراران و رئیس شرکت برق و نیروی مرکز، خورخه گوتیررز برا در روز ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ تقاضای گرفتن امتیاز استفاده از شبکه فیبر شیشه ای و اجازه واگذار کردن خدمات سه گانه را تقدیم وزیر راه و ترابری کردند. (به نقل از نشریه پروسه سو، چاپ مکزیک، شماره ۱۳ اکتبر ۲۰۰۹)

جالب است اضافه کنیم که وکیل بزرگترین دشمنان سندیکا، آقای فرناند سبایو، رئیس اسبق سنا، عضو حزب اقدام ملی، یعنی همان حزب آقای رئیس جمهور است. به عبارت دیگر به روشنی می توان دید که در پس های و هوی رئیس جمهور، شرکت های بزرگ رادیو تلویزیون و تلفن رؤیای کنترل هرچه بیشتر این بازار سودهای کلان را در سر می پروراند.

برخورد رهبران سندیکا نیز طی سال های گذشته کم ایراد نداشته است: در کنار فساد برخی از این رهبران، جا خوش کردنشان در پست های مختلف، و در آمد هنگفت و غیره، اشکالات عملی دیگری نیز وجود داشته که آنان را تا حدی محدود کرده است. گستردگی تظاهرات روز ۱۵ اکتبر میتواند اغفال کننده نیز باشد، می تواند این تصور را برانگیزد که همین کافی ست. اما با وجود تبلیغات بی حد و مرز رسانه های ارتباط همگانی، اگر با بقیه جنبش های اجتماعی به صورتی ارگانیک نخورد، این همبستگی می تواند امری گذرا باشد (حد اقل هیئت حاکمه مکزیک چنین امیدی دارد).

در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۲، یعنی هفت سال پیش در مصاحبه ای با نگارنده، یکی از رهبران این سندیکا، آقای رامون پاچه کو، به درستی اذعان می کرد: «تجربه ما گویای این است که «خصوصی سازان» کارشان لنگ نمی ماند. آنها به همین سادگی تسلیم نمی شوند، حوصله دارند، پا فشاری می کنند. تجربه ما را و ما می دارد که مقاومت کنیم و در مبارزه فعال باشیم. و با تمام وجود کوشش کنیم تا ائتلاف های بزرگتری را در داخل و خارج از کشور، به وجود بیاوریم. این وضعیت امروز ماست.»

اگر سندیکا به این سخنان اعتقاد داشته باشد، بایستی طبعاً سیاست گسترش ارتباط در اجتماع را به پیش برد یعنی بکوشد با اقشار مختلف اجتماعی در يك رابطه ارگانیک قرار گیرد. با نگاه کوتاهی به عملکرد سال های گذشته سندیکای مکزیک برقراران، مشاهده می کنیم که این سندیکا، به

درستی با سندیکا‌های بزرگ دیگر، از جمله سندیکای کارگران آموزش و پرورش دانشگاه ملی خود مختار مکزیک و برخی سندیکا‌های دیگر نوعی ارتباط تنگ تر برقرار می‌کند. ولی در روابط اجتماعی، به جای برگزیدن هم‌زمان خود در میان نیروهای اجتماعی و چپ، به احزاب انتخاباتی نزدیک می‌شود (خود آقای رامون پاچه کو، در حال حاضر از سوی حزب انقلاب دمکراتیک PRD نماینده مجلس است، و لازم است یادآوری کنیم که تا به امروز فقط بخشی از نمایندگان این حزب در مجلس با فرمان رئیس جمهور مخالفت خود را ابراز کرده اند) و به همین دلیل، برای مثال با آن که این سندیکا علیه «کارزار دیگر» زاپاتیست ها موضع گیری نمی‌کند، عملاً با آن فاصله دارد. ولی مهمتر از همه این که این سندیکا روی تجربیات بجای مانده از سندیکا‌های چپ دیگر در مکزیک (مانند سندیکای خط ۱۰۰ رانندگان اتوبوس شهری) و یا تجربه کارگران کارگاهی کوچابامبا در بولیوی چشم می‌پوشد. در این مورد اسکار الیورا، به درستی این تجربیات را مورد توجه قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که جنبش کارگری در حال حاضر تنها در کارخانه ها خلاصه نمی‌شود، بلکه محلات کارگری، و از این طریق خانواده های کارگران را نیز باید به حساب آورد.<sup>۴</sup> بدین ترتیب جنبش کارگری از پشتوانه عظیم جنبش محلات نیز بهره مند خواهد بود. چنین کمبودی را کارگران برق مرکز مکزیک حالا با پوست و گوشتشان احساس می‌کنند.

یکی از نکات مهم دیگر، برخورد، موضع گیری و عملکرد مطبوعات، و به طور مستقیم روزنامه نگاران [ژورنالیست ها] در رابطه با حمله گسترده علیه دستاوردهای سندیکائی ست. اگر این روشنفکران «روزنامه نگار» در ذهن محافل «چپ»، نوعی «مبارزه با سرکوب» و ... را تداعی می‌کردند، امروز مترادف «سرباز» «مبلغ» و «مروج» سرمایه داری نئولیبرال و حریصی هستند که هیچ فراخوانی برای همکاری شان لازم نیست. آنان برای تکه استخوانی داوطلبانه صف کشیده اند. دروغپراکنی گویزگونه و حملات همه جانبه این «خبرنگاران» علیه سندیکاها به طور کلی، سندیکای مکزیکای برقکاران به طور اخص، و هرنوع دستاورد کارگران در روزهای اخیر، تنفر مردم را علیه شان به گونه ای برانگیخته است که گاهی در حرکات روزهای اخیر به راستی خطر جان آنان را تهدید می‌کند.

و دست آخر، هرگز نمی‌توان از خاطر برد که دستاورد تقریباً صد ساله این سندیکا، مفت به چنگ نیامده که مفت از دست برود. حقوق نسبتاً درخور کارگران متشکل در این سندیکا و برخی از سندیکا‌های دیگر مکزیک، خارجشم همه سرمایه داران و حامیان شان است. هر حمله ای به هر یک از این سندیکاها، حمله به تمامیت جنبش کارگری ست. دفاع از این دستاوردها، به معنی دفاع از رهبران کم یا بیش فاسد این یا آن سندیکا نیست، بلکه دفاع از حقوق کارگران متشکل در آنها ست. در این مبارزه، بدون آنکه جایگاه فعالیت سندیکایی را در مناسبات طبقاتی کنونی فراموش کنیم، باید با تمام نیرو دوش به دوش این کارگران گام برداشت و یار و یاور آنان بود.

شهر مکزیکو، یکشنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹

۱- Sidicato Mexicano de Electricistas , www.sme.org.mx

۲- از جمله نگاه کنید به: مبارزات کارگران جهان علیه خصوصی سازی و مصاحبه ای با رامون پچه کو در سایت انتشارات اندیشه و پیکار: <http://www.peykarandesh.org/old/jonbesh/pdf/Ramon-Pacheco-SME.pdf>

۳- Zocalo

۴- Oscar Olivera: ¿Qué hemos aprendido? El Nuevo Mundo del Trabajo.Nosotros smoms la coordinadora, Abril 2008